

هشدار در برابر

جنگ افروزی امپریالیسم

اظهاریه رفیق مائوتسه دون (۲۰ ۵ ۱۹۷۰) ایما - نامه‌ای تاریخی در افشا جنایات امپریالیسم امریکا و شرکاء اوست که پر از جنگ دوم جهانی هیچگاه از عبادت جنگ های تجارگانه باز نایستاده اند . لشکرکشی راهزنانه به کوره ، کنگو ، لبنان ، ویتنام ، سن دمنیک ، فیلیپین ، ترمبیه ، ده ها کودتای ارتجاعی و فاشیستی (نظیر کودتای ۲۸ مرداد ۱۳۲۲ در ایران و کودتای سپتامبر ۱۹۶۵ در اندونزی) و ده ها توطئه خونین دیگر گواه صحت و قوت این ادعاهاست . . .

اظهاریه رفیق مائوتسه دون ندای آماده باش در برابر تهاجم امپریالیستی است . امپریالیست ها هر آنکه که در تدارک جنگ جدید انداز صلح سخن میگویند و هر آنکه که در شرف خیزش را آب میدهد افسانه خلع سلاح میخوانند . افغال خلق ها شرط مهم جنایتکاری امپریالیست ها است ، و امپریالیسم امریکا در این کار همدست تقابلهای مانند روزیونیت های شوروی دار که سالهاست بنام " همزیستی مسالمت آمیز " ، " جهان بدون سلاح و بدون جنگ " ، " جهان صلح پایدار " ، بغیر بخلایق مشغول اند . در اینجا است که صدای نیرومند رفیق مائوتسه دون طنین می افکند : " خطر جنگ جهانی جدید همچنان باقی است . خلق های کیتی باید برای آن آماده باشند . " رفیق مائوتسه - دون می آموزد : از روحا لخرخ نیست . یا انقلاب از جنگ جلو میگرد و یا جنگ باعث انقلاب میشود .

اما پیروزی با خلق های کیتی است . لندن کبیر میگفت : امپریالیسم غولی است با پاهای گلین ، و رفیق مائوتسه دون میگویی " امپریالیسم امریکا قیافه غول دارد ولی در واقع چیز دیگری جز ببر کاغذی نیست و تو می داند در تلاش است . "

رفیق مائوتسه دون پیشوای خلوچین و رهبر پرلتاریا و خلق های جهان پشتیبانی مجدانه خود را از اعلامیه مشترک سران خلق های هندوچین و از دولت جبهه واحد ملی کامبوج اعلام میدارد و اطمینان میدهد که " خلق های سه گانه " هندوچین با تحکیم وحدت خویش ، پشتیبانی و کمک متقابل یکدیگر ، پایایداری در جنگ توده ای طولانی خواهند توانست بر همه دشواری ها غلبه کنند و پیروزی کامل بدست آورند .

رفیق مائوتسه دون تاکید میکند که " گرایش صدها درجه تان امروز انقلاب است " وند امیزند : " خلق های جهان برای برانداختن تجارگان امریکائی و چاکران آنها متحد شویند " اظهاریه رفیق مائوتسه دون الهام بخش همه خلق های جهان و از آن جمله خلق کشور ما است . کشور ما در انتر حکومت چاکران امپریالیسم که محمد رضا شاه در رأس آنها قرار دارد به پایگاه اقتصادی ، سیاسی و نظامی امپریالیسم و بیوزه امپریالیسم امریکا بدل شده است . امپریالیسم امریکا رژیم کودتا را برای سرکوب جنبش انقلابی خلق ایران و سایر خلق های خاورمیانه مسلح میگرداند و در این اندیشه است که رژیم کودتا در جنگ جهانی احتمالی آینده در رگبوی شمشیر خواهد زد . قرارداد نظامی ایران و امریکا " مورخ ۱۴ اسفند ۱۳۲۷) که از حلقه های زنجیر اسارت ملی ماست و هدف اساسی دارد : یکی حفظ رژیم کودتا و دیگری حفظ امپریالیسم امریکا در ایران . قرارداد مذکور از " منافع ملی " امریا - لیسم امریکا در ایران و از " مقاومت در مقابل تجاوز مستقیم و غیر مستقیم " بر ایران سخن میگوید . " منافع ملی " امپریالیسم امریکا در ایران رو تن است : استعمار ایران ، استثمار خلق زحمتکش ایران . هر نیروی ملی و دموکراتیکی که مستقیم یا غیر مستقیم ، از داخل یا از خارج با رژیم دست نشانده محم رضا شاه در تضاد افتد اقدامش در زبان امپریالیسم امریکا تجاوز نام دارد و در این صورت سطیق بقیه در صفا ۲

سروته يك كرباس

خود فروشی و خیانت عناصری فرومایه وسیله ای بدست سازمان امنیت دار تا به صحنه سازیهای تازه ای بپردازد . منظور از این صحنه سازیهای امنیت که از زبان این عناصر خود فروخته به مردم ایران وجهان اعلام دارد که " انقلاب شاهانه " جاسوسان را در گروین ساخته ، مناسبات فئودالی را از روستای ایران برافکنده ، برای دهقانان زندگی نو آفریده ، ایران را در شاهرای صنعتی شکرئی انداخته ، سیاست مستقل و ملی در پیش گرفته یا بطور خلاصه از ایران نیمه مستعمره و نیمه فئودال کشوری مستقل و شرقی پدید آورده است . اگر نیروهای انقلابی از ایران بخواهند کشوری نیمه مستعمره و نیمه فئودال سخن بگویند ، " انقلاب شاهانه " را جز تحکیم زنجیر اسارت خلق ما و تشدید غارت ثروت های سرزمین ما از جانب امپریالیسم و تشدید استثمار زحمتکشان چین ما یا بعبارت دیگر جز خیانت به صالح و منافع خلق ایران نمیدانند گویا بخاطر آنست که از واقعیت دور ، آمار را اختیار ندارند ، در زندان به بررسی نتایج حاصل از " انقلاب شاهانه " ننشسته اند . هر کسی که خود را در اختیار سازمان امنیت بگذارد و خدمت شاه خائن در آید بیکیسار از " عالم غیب " حقایق بر او بگشود میگردد ، از " پندارهای واهی " بیرون میآید و بدنیای واقعیات فرومی افتد و آنگاه پیشوا نشانه می تواند طی پیامی که انتشار آنرا از سازمان امنیت میرواهد " حقایق مکشوفه " را برای دوستان و دانشجویان بازگو کند و آثار آنرا به تسلیم در برابر رژیم دعوت نماید . خائسان همه را به کیش خود پندارند او گویا نیواند که پیام سازمان امنیت و لولانگه از دهان " نیگواهی " برآید پیام سازمان امنیت است و نفرت همگانی بدره آن . تقریرات و تحریرات تسلیم شدگان به شاه نشانه قوت و حقیقت رژیم نیست ، نشانه ضعف و سرج بودن ادعای آن است .

در گذشته رجال سرشناسی مانند جانسون ، نیکسون ، پادکوری ، برزف ، کاسکین ، رولگ و . . . بوفور اقدامات رژیم و " رهبری شاهنشاه " را ستودند و اکنون نیز می ستایند . پس چگونه است که سازمان امنیت اکنون دست بدامن افرادی خود فروش کفام زده است تا آنچه را که دشمن خلق ایران گفته اند با تفصیل بیشتری تکرار کنند ؟ دلیل آن روشن است :

ما همانطور که انتظار میرفت بهره برداری از خیانتانین عناصر در انحصار سازمان امنیت و شاه باقی نماند . روزیونیت های حزب توده ایران نیز فرصتی یافتند تا ناجوانمردانه به مارکسیست ، سولنیست ها و پیروان اندیشه سفاک و بتازنده و خیانت عناصری چند را دلیل حقانیت خود بشمارند . در گذشته روزیونیت ها " سازمان انقلابی " را که از آغاز آنرا لانه عمل روزیونیت و سازمان امنیت گردید و همچنین خط مشی کاسترستی آنرا " مائوتیست " نامیدند برای آنگاه با استفاده از انحرافات بیحد و حساب آن ، اندیشه مائوتسه - دون را در زیر حملات خویش بگردد . اکنون نیز خیانت نسی چند از افراد این سازمان را وسیله حمله و هجوم به وفاداران مارکسیسم و سولنیسم و اندیشه و فائق قرار داده اند .

ارزیابی ما از " سازمان انقلابی " بر خوانندگان توفان پوشیده نیست . ما این سازمان را از روی خیانتی که افراد آن مرتکب شده و میشوند تقابرت نیکمیک همچنانکه ملاک ارزیابی ما از حزب توده ایران خیانت بهرامی ها ، یزدیها ، شریفی ها و دیگران نیست . ما " سازمان انقلابی " را از آنچه مطلوبی - دانستیم که از همان آغاز بعلت انحرافات بقیه در صفا ۲

دودشمن بزرگ خلقهای جهان

و ضد لفظی در پیش گرفته اند ، فعالیت آنها شوجه تلاشی اردوی سوسیالیستی و پیمان ورشو است ، با نیروهای امپریالیستی لیستی همکام اند ، بصورت جانشینان سرکردگان آلبان هیتلری درآمده اند . . .

در هنگامیکه امپریالیسم (امپریالیسم امریکا و نیز انگلستان و فرانسه) بتجاوز به سرکوب ، به غارت و به چپاول آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین و حتی برخی از کشورهای اروپا مشغول است چین توده ای و حزب کمونیست آن را جانشین آلمان هیتلری قلمداد کردن بمعنای آنست که دشمن شماره ۱ سوسیال امپریالیسم روسیه ، امپریالیسم نیست بلکه سوسیالیسم و در درجه اول توده ای سوسیالیسم یعنی چین است .

" تلاش پیمان ورشو " - دیرزمانی است که این پیمان بصورت رویشی برای سلطه سوسیال امپریالیسم روس برارای شرقی درآمده است ، همانطور که پیمان آتلانتیک شمالی تا مین کننده استیلای امریکا برارای غربی است .

" تلاش اردوی سوسیالیستی ؟ " - دیرزمانی است که خورشچف شماره ۱ و خورشچف شماره ۲ (برزف) هفتارا ضعیف ترخود ، مانند خورستان ، را صاف و ساده مستعمره خویش ساخته اند ، بسیاری از این کشورها با انتقال نظامی مداوم خود در آورده اند (مانند بلارستان ، لهستان ، مجارستان و مغولستان) . برضد رومانی و سایر کشورهای بسته تهدید سیاسی و شانتاژ اقتصادی دست میزنند .

دروور " آلمان هیتلری " - باید بخاطر دامت که چک اسلواکی در عرض سال دیوار مورد تهاجم قرار گرفته است ؛ یک بار بوسیله هیتلر و بار دیگر بوسیله برزف .

وضعنا برای استحقاق خاطر " چپ فرد استالینی " تدکر میوشیم که استالین بچین شیوه هائی دست نزد بویزه درور یوکو سلاری نیتیست .

بقیه در صفا ۲

ترجمه از هفته نامه " هومانیته " سن " نشریه مارکسیست - لنینیستی فرانسو شماره ۴۲۸ ، ۱۹۷۰ - بتلخیصی

از ۱۸ مارس خلق کامبوج با دارودسته فاشیست و نژاد پرست لئون نول - سیریک ماساک که بوسیله اداره جاب جوسی امریکا براریکه قدرت نشانده شده در نیراست . . .

از ۲۰ آوریل دولت اتحاد ملی کامبوج که تحت هدایت سیانسوک ، نیروهای انقلابی و میهن پست کامبوج را گرد آورده از طرف پیش از سی کشور ، از جمهوری توده ای چین ، تائالانی از یوکوسلاوی تا مین ، از کنگو تا جمهوری متحد عرب ، از کویا تا کره شمالی و رومانی بر رسمیت شناخته است . ولی در این مدت تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکوجه کرده اند ؟ آنها چند جمله ای در " پشتیبانی " از خلق کامبوج گفتند و یا نوشتند ، و چند دشمنی به نیکسون تشار کردند . . .

اما دولت اتحاد ملی کامبوج با برسمیت نشناختن سفیر آنها در فرودین بسمیرد و هفتارانش همچنان در بانک کرک ، کوالا لپور و جاکارتا نشسته اند (باید گفت که شوروی در جاکارتا فقط دیپلمات ندارد ، و از این نظامی نیز دارد که همراه با امریکائیها در کارزارهای ضد کمونیستی ششگرت میجویند) . . .

معدک تزارهای جدید سوسیال امپریالیست مسکویکار نشسته و با بتکرار سیاسی مهمی دست زده اند باین معنی که کارشناسان دروغ پرانی آنها با هم با نوشتن مقاله ای در روزنامه " پرودا " (۱۸ ماهه) ، آتش خویش را شوجه جمهوری توده ای چین ساخته اند . هرچه وضع داخلی و بین المللی اتحاد شوروی سوسیال امپریالیستی و خبیتر میشود مدعیات دارودسته رهبریش هذیان آمیزتر میگردد . . .

پروادا می نویسد : " رهبران پکن سیاسی ضد تودا

درد پیرو شور و افتخار پیروزندان میان سیاسی

سروته یک گریاس بقیاضصفحه و ایدتولویک سیاسی و تشکیلاتی خود و بعلت نفوذ خالص دشمن در مقامات بالای آن در وقت روزیونیسیت ها و سازمان امنیت قرار داشت .

" سازمان انقلابی " یا آنکه چپ و راست از اندیشه مائو دم میزند در واقع آلتی است در دست روزیونیسیم و ارتجاع بر ای مبارزه با مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون ، برای جلوگیری از احیای حزب طبقه کارگر و جلوگیری از مبارزه با روزیونیسیم و سوسیال امپریالیسم . دشنام ها ، اتهامات و تشکی های آن علیه سازمان توفان تصادفی نیست . و باید از معادن کرد که این سازمان در انجام وظیفه‌ای که بدو محول گردیده نهایت کوشش را بکار برده است و با ایدتولویک سیاست تئوسیو تشکیلاتی ضد انقلابی خود تاکنون خدمات شایانی به روزیونیسیم و ارتجاع کرده است . پیوستن افرادی از این سازمان به دشمن نخستین خیانت این سازمان نیست ، آخرین آن نیز سنی باشد .

اما معلوم نیست کجای خیانت افرادی از این سازمان دلیل حقانیت روزیونیسیت ها و نشانه وفاداری آنها به مارکسیسم - لنینیسم است ؟ مگر نه اینست که این افراد به تکرار همان حرفی هائی پرداخته اند که روزیونیسیت های ایرانی و آریابان سوسیال امپریالیست آنها گفته اند ؟ این آقایان گویا گفته‌ها و نوشته های خود و آریابان خود را بدست فراموشی سپرداده‌اند و لذا جا دارد که با یادآوری هائی چند ، آنها را از غلظتسای بیرون کنیم .

نخست به یونیم افرادی که خیانت کرده و به اردوی دشمن پیوسته اند چه گفته اند و چه نوشته اند .

یکی از آنها از " تحولات عظیمی که در روستای ایران و در امر صنعتی شدن کشور یونیم پیوسته " سخن میزند . دیگری بر آنست که " در ایران همه چیز در گروزی یافتنه است راه مستقل و شرقی ایران بدون آنکه به شرق یا غرب و با همزیستی با غرب و به ساختن زیر بنای اقتصادی " توجه دارد . مناسبات سیاسی و اقتصادی گسترده‌ای پدید آر گشته است . نظام قرین وسطائی کهن فرورخته و روابط و ابزار جدید تولید جایگزین آن شده است . " ... طرحهای بسیار شرقی چون فرهنگ و بهداشت برای همه و تامین اجتماعی در شرف پیاده شدن است .

" ... حرکت بسوی صنعتی کردن کشور بیکار علییه بیسوادی ، شرکت زنان در امور اجتماعی ، گسترش فرهنگ و بهداشت . . . اتحاد سیاست مستقل ملی . . . بکار بستن همزیستی مسالمت آمیز حوادثی جز اینها که در تاریخ معاصر مهین ما نغوه‌ای همانند نمیتوان یافت . "

" پیشک نقطه عطف این حرکت تاریخی را ششم بهمن ۱۳۴۱ می باید بشمار آورد . "

" نخست شاهنشاه را سیاسی میاید گفت که با بدعی در خور زمانه . . . رهبری اموزا بدست گرفتند و حصار دیرین را که بین ایشان و ملت جدائی می انداخت از میان برداشتند . "

این یاره سرائی ها بدون شك خیانت به خلق است . ستایش شاه و استعمار زبونی است . مداح و چالوسی ننگینی است . در این ارزیابی نمیتوان با بلند گوین روزیونیسیت های ایرانی همزمان وهم آواز تبود . لیکن این یاره سرائی ها همان است که روزیونیسیت ها خود سالها است بطور صریح یا در پرد بخور مردم ایران میدهند . این حقیقت دیگر بر کسی پوشیده نیست معذالك برای مقایسه یادآوری پارهای از دافتنی های آنها لازم است :

" بطوری که اطلاع دارید طبوعات شوروی و رادویی شو روی که مبین عقاید و نظریات جوامع ما میباشد در اصلاحاتی که از طرف اعلیحضرت شاهنشاه اعلام گردید ، مخصوصا چنان اصلاحاتی که با منافع قشرهای وسیع سکنه مربوط است مانند اصلاحات ارضی ، تفویض حقوق زنان و غیره حسن استقبال میکنند مردم شوروی درک میکنند که اجرای اقدامات با مشکلات معینی همراه است و در این مورد نیز بطور اجتناب ناپذیر بین گفته و نوتخاد بوجود میآید . میتوان پیش بینی کرد که عملی ساختن اصلاحاتی که پی ریزی شده تاثیر مثبتی در ارتقا سطح زندگی مادی و فرهنگی مردم ایران خواهد بخشید . " (از سفیر شوروی در ۱۳۴۲)

" جوامع شوروی با علاقه خاصی مراقب اقدامات دولت

ایران در زمینه ترقی و پیشرفت اقتصادیات و کشاورزی و نیروهای تولیدی ایران میباشد . مهمترین قدمی که در این زمینه برداشته شده اصلاحاتی است که در سالهای اخیر در ایران انجام میگردد و هدف آن عبارتست از بهبود وضع دهقانان و کادری کشاورزی و نیز آن که هم اکنون فعالانه در حیات اجتماعی ایران

شرکت میجویند " (از دبیر حزب " کمونیست " اتحاد شوروی) .

" در سایه توجهات مخصوص اعلیحضرت شاهنشاه ایران . پیشرفت های سریع و بسیار موفقی در ایران مشاهده میشود . " (در ایران انقلابات اصلاحاتی ارضی بدون خونریزی صورت گرفت و این موفقیت قبل از هر چیز نشانه خرد مندی شاه ایران است) (از روزنامه نگار شوروی ۱۳۴۵)

" در اتحاد شوروی سیاست خارجی ملی مستقل ایران را محترم میشمارند " (از نخست وزیر شوروی ۱۳۴۷)

" نقش شاهنشاه در مسیر گردانیدن برقراری مناسبات حسن همجواری بین ایران و شوروی " ، رهبری خرد مندانه شاهنشاه است که انگیزه اقدامات مهمی در سالهای اخیر در جهت تحکیم و توسعه وضع اقتصادی گردید . و سیاست خارجی ایران و نقش همزیستی مسالمت آمیز آن . . . درخور همه گونه تجسید است " (از روزنامه شوروی ۱۳۴۸)

" همچنین افتخار میکنم که درود های خود را تقدیم ملت ایران نماید که تحت رهبری شاهنشاه آریابان به اصلاحات اجتماعی و اقتصادی عظیم بمنظور ایجاد یک اقتصاد عظیم و یک صنعت نوین در کشور و ریشه کن کردن بیسوادی و پیشرفت اجتماعی زبان شده است) (از رئیس جمهور بلغارستان) . "

" انقلاب ایران کاملا تحقق یافته است و این انقلاب دیگر تئوری نیست بلکه مردم ایران در فروردین ۲۷ و آذر ۱۹۶۳ (همان ششم بهمن ۴۱ - توفان) بدان رای موافق دادند و اکنون نام اختصار آمیز انقلاب شاه و مردم یا انقلاب سفید را پیدا کرده است " (از طبوبات لهستان) .

" شاهنشاه یک هدف اصلی که منظور آن بهبود وضع اجتماعی و اقتصادی ملت ایران است برای خود تعیین نموده اند . . . رئیس سازمان برنامه شوروی بسایسگوف ضمن مسافرت اخیر خود بایران خاطرنشان ساخت : طی دو سال اخیر کشور ایران خود را از قیود اقتصادی دول سوبایه داری رهائی داده است " (رادیو پراگ آبان ۱۳۴۸)

" اصلاحات ارضی . . . با افزایش نسبی علاقه دهقانان به شرکتکار خود در تسریع رسوخ سرمایه داری در ده امکانات بیشتری برای رفاه دهقانان و رشد اقتصاد روستائی فراهم می آورد . " (از مجله دنیا ارگان تئوریک و سیاسی حزب توده ایران)

ایران " اکنون کشوری صنعتی ، کشاورزی است یعنی امروز اقتصاد ایران در مقام اول است نه کشاورزی " (مجله دنیا) .

" تولید گره کشاورزی بتدریج مقام اول خود را به تولید گره صنعتی میدهد . " برنامه پنجساله چهارم گام مهمی در جهت صنعتی کردن کشور است . " اشتباه خواهد بود اگر بجهت مثبت تحولی که در اینجهت در کشور ما روی میدهد توجه لازم نشود یا به آن کم بها داده شود (مجله دنیا) . در جای دیگر از " استقلال سیاسی ایران گفتگو میشود که گویا " ادامه وابستگی اقتصادی آن به امپریالیسم در تصادفاتنازه است (مجله دنیا) .

اینها است شعای از آنچه که روزیونیسیت های خودی و بیگانه در باره شاه رهبریش و اصلاحاتش سروده یا برشته تحریر در آورده اند . یک نظر ولو سطحی به ارزیابی روزیونیسیت ها از شاه و وضع ایران بروشنی نشان میدهد که نیکخوا و گروه خائن از جز تکرار گفته های روزیونیسیت ها کاری نکرده اند نیکخواه از انقلاب مسالمت آمیز سخن میراند " چرا که در خونریزی فی نفسه فزینتی نیست " (البته منظور خونریزی شاه و طبقات حاکمه نیست چون نیکخواه در آن فضیلت بسیاری بیند و آنرا تایید میکند) ، روزیونیسیت هائی ز راه مسالمت آمیز انقلاب را برگزیده اند .

نیکخواه از تعبیر مضحک " محدودات جغرافیائی سرمایه نتیجه میگیرد که باید درهای کشور را ببری سرمایه های خارجی باز گذشت ، روزیونیسیت ها نیز بر آنند که " ما با هر دولتی که به تکامل نیروهای مولده در کشور ما کمک کند ما با این عمل آن دولت موافقم " (مجله دنیا) .

نیکخواه از همزیستی مسالمت آمیز میان شرق و غرب و

حتی در داخل کشور میان طبقات گفتگو میکند . روزیونیسیت ها هم همین را میگویند .

نیکخواه قیام دلیرانه مردم ایران را در هفته خونین مرد ۲۱ با یک چرخش زبان بشیرمانه محکوم و شاه را در کشتار هزاران مرد بیگناه تبرئه میکند ، روزیونیسیت ها نیز چنین کردند .

می بینید که مواضع اساسی گروه خائنین در دست همان مواضع روزیونیسیتهاست ، روزیونیسیتها که نیکخواه و دیگران را خائنین میدانند اگر بترسی از درستی و درستکاری برده باشند باید به خیانت خود در قبال خلق ایران اعتراف کنند . اما آنها صحنه سازی سازمان امنیت را وسیله فرار میدهند برای آنکه خیانت خود را در بزر خیانت دیگران بپوشانند . از آنهم بشیرمانه تر خیانت دیگران را دلیل حقانیت و نشانه وفاداری خود به مارکسیسم - لنینیسم بحساب میآورند . به این شیوه عمل چه نامی میتوان داد ؟ اما نه مردم ایران آن اندازه از لحاظ سیاسی ساده لوح اند که روش روزیونیسیت ها را در قبال شاه ، اصلاحات و تشو و سیاستش نپذیرند و نه با هیچ شهید های میثوان روزیونیسیم و اپوزیونیسیم را سیما و جلوه مارکسیسم - لنینیسم بخشیدند . روزیونیسیت ها محکوم تاریخ اند .

هشدار در برابر . . . بقیاضصفحه ماده ۱ قرارداد - امپریالیسم آمریکا " اقدامات مقتضی را که شامل استفاده از نیروی نظامی خواهد بود " بعمل خواهد آورد . باین طریق قرار داد مذکور رسماً با امپریالیسم آمریکا امکان میدهد که در هر فرصتی ، خواه بمناسبت اوج نهضت انقلابی ایران و خواه به سه مقضای جنگ جهانی بعد از آن ، مسلحانه در ایران بفر در زبیر مداخله مسلحانه ای نظیر آنکه در ویتنام جنوبی و کوبا و غیره صورت گرفت .

چندی پیش از اعضای قرارداد نظامی ایران و امریکا روزنامه " منچستر گاردین " (در ۱ فوریه ۱۹۵۹) نوشت : در جلسه شورای وزیران پیمان بعد از (امروز ستو) ترکیه و پاکستان و ایران ، نه فقط بر علیه تجاوز کونیستی بلکه همچنین بر علیه حمله دشمنان محلی خود تخمین میخواستند . مثلاً ایران از حکومت جدید عراق بسیار بیم دارد و طبق بعضی خبر ها نخست وزیر ایران ضمناً میخواهد با و در امرایک انقلاب داخلی تضمیناتی داده شود . . . و این " تضمینات " بصورت ماده ۱ یکم قرارداد نظامی ایران و امریکا درآمد .

در آن روزگار روزنامه " سوراوا " (۶ سپتامبر ۱۹۵۸) نوشت : قرارداد نظامی ایران و امریکا " کشورهای همسایه ایران را مستقیماً در معرض خطر قرار میدهد . . . این بهیچ وجه مسئله داخلی دولت ایران نیست . . . (این قرارداد) صالح و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید می نماید اما امروز با آنکه قرارداد نظامی ایران و امریکا مبتنی از هر زمان بقوت خود باقی است مرز ایران و شوروی - علی الظاهر رات نمایندگان روزیونیسیم شوروی - بصورت " مرز صلح دوستی " درآمده است . زیرا که سازش سوسیال امپریالیسم شوروی با امپریالیسم امریکا به مرحله تکامل رسیده و قراردادی که " صلح و امنیت را در سراسر خاور نزدیک و میانه تهدید می نماید " امری حافظ منافع مشترک روزیونیسیم و امپریالیسم است .

خلق ایران با امپریالیسم امریکا و رژیم محمد رضا شاهی مصاف بسیار داده ، ناگامی ها دیده و تجربه ها اندوخته اند . علی رقم دشواری ها ، علی رقم خرابکاری ها ، عمل روزیونیسیم و جاسوسان سازمان امنیت ، علی رقم زیانکاری های مظاهران بسه مارکسیسم - لنینیسم ، حزب طراز نوین طبقه کارگر ایران در عرصه کشور ما تشکلت خواهد شد ، جبهه واحد ملی و دموکراتیک را رهبری خواهد کرد و آن را در جنگ توده های طولانی بر امپریالیسم امریکا روزیم محمد رضا شاهی پیروز خواهد ساخت . خلق ایران در هیچ جنگ تجاویز کارانه شرکت نخواهد جست و هر چه پیش آید پیوسته با تمام قوا از جمهوری توده ای چین ، چین ، این دو نیرومند سوسیالیسم ، از جمهوری تون های آلبانی ، این نورافکن سوسیالیسم در اروپا ، از خلق های انقلابی آسیا ، آفریقا و امریکای لاتین و نیز از خلق های رزمنده اروپا و امریکا دفاع خواهد کرد .

خلق ایران قرار داد نظامی ایران و امریکا را قرارداد ای راهزنانه و بی اعتبار اعلام میدارد .

استوار باراد اتحاد خلق های جهان برای برانداختن تجاویز کاران امریکائی و پیکارکن آنها .

گسترش و پیروزی انقلاب و وابسته به وجود حزب انقلابی پرولتری است

دو دشمن بزرگ حلقه‌های جهان به‌هم‌زمنه
حالا آقایان رهبران روزیونیست، بگوئید که چه کسانی
جانشین هیتراند.

پراودا همچین مینویسد: "سالهای مدیدی است که
رهبران چین در آسیا سیاست اخلاخ در رژیم های شرقی و اوجا
تصادم بین دولت ها دست زده اند و میگویند که مبارزه
نجات بخش ملی خلق های این سرزمین را از متحدان هملطن
آنها یعنی از ممالک اروپای سوسیالیستی و از نهضت کمونیستی
و کارگری بین المللی منفره گردانند."

ولی آن کیست که با رژیم های پوشالی تابلاند بپیرونه
مالزی، اندونزی و غیره و با متوجهان هند روابط سیاسی و
اقتصادی برسرود دارد؟ آن کیست که در باره "مبارزه انقلابی
مسلحانه خلق های این ممالک، مبارزه ای برهبری احزاب
کمونیست مارکسیست - لنینیست آنها، سکریت اختیار میکنند؟

رهبران سوسیال امپریالیست شوروی
آن کیست که با چانگایچک پوشالی که در پناه نسیروری
دریائی امریکا به تایوان پناه برده به تباتی مشغول است؟
آن کیست که اسرائیل را در گفتار "محکوم میکند" ولسی
علا با دفاع از ظلمنامه استعماری ۲۲ نوامبر ۱۹۶۷ شورای
اعلیت سازمان ملل مبنی بر وادگی فلسطین به صهیونیست
ها اعلام پشتیبانی صهیونیست‌هاست وعضا از فرصت ستفاد میکند
که "موظف نفوذ جدیدی برلی خود در خاورمیانه دست آورد.

سوسیال امپریالیسم روس
حالا آقایان رهبران روزیونیست، بگوئید که چه کسانی
دشمن مبارزه نجات بخش ملی خلق های آسیا هستند؟

پراودا همچین مینویسد: "رهبران یکن مسئولیت شکست
و ناگامی عده ای از نهضت های نجات بخش ملی را در آسیا
و افریقا... برعهده دارند..."

ولی مسئول سرکار آمدن قلدان در رژیم پاپا دیولس
در یونان، مسئول اعدام ده ها هزار کمونیست و ترقی در ایران
عراق و کنگو کیست؟ کیست که خلق زحمتکش این کشورها را از
لحاظ ایدئولوژیک در برابر دشمن خلق سلاح کرد؟
آن کیست که نیروهای مشغول جنگ مسلحانه را در روزنه
تسلار گواتمالا و بلوی در سیموچو نبرد گرفتار انشام با ساختن
سوسیال امپریالیسم، پیوسیه دست نشانده کنش.

آن کیست که بهمه اداره جاسوسی امریکا نزال های
فاشیست را در اندونزی به کودتا تشویق کرد و در عین حال
کوشید که حزب کمونیست اندونزی را به اتخان راه سالهت آمیز
وادارد (و ستافانه بدون موفقیت هم نبود)؟ آن کیست که
باین طریق درکنتر قریب یک میلیون کمونیست و ترقی اندوگژ
هدستی داشت؟

سوسیال امپریالیسم روس
ولی نیلیاردها رول اعتبار واسلحه بهر رژیم ارتجاعی
زورگو وحشی و فرمانبر امپریالیسم که در روی زمین وجود دارد
بذل و بخشش کرد.

حالا آقایان رهبران روزیونیست، بگوئید که چه کسانی
برانگیزنده ضد انقلابیاند؟

پراودا! همچین مینویسد: "سراسر سیاست داخلی و
خارجی یکن که ناشی از تمایلات تسلط جویانه رهبران آنست،
همچین کلیه فعالیت های ضد شوروی آنان به امپریالیست‌ها
نشان میدهد که یکن قصد ندارد همراه شوروی و سایر کشورهای
سوسیالیستی با اقدام بعرضه تجاوز امریکا دست بزنند..."

ولی آن کیست که با توطئه در راه سرنگونی رژیم دمو-
کراتیک توده ای آلبانی وحدت کشورهای سوسیالیستی را در هم
شکست؟

آن کیست که هم اکنون در وین با امپریالیست های امر-
یکائی بمدا که درباره انتقاد قرارداد محدودیت تسلیحات
استراتژیک مشغول است و در عین حال دیگران را (و نه فقط
چین را) با اسلحه گشتار جمعی خوشنهدید میکند؟
سوسیال امپریالیسم روس!

چین توده ای بناسبت تهاجم امپریالیسم امریکا بسر
کابوچ مذاکرات دو جانبه ای را که پس از گفتار سن ژو با امریکا
در نبال میکند قطع کرد و با هیچیک از کشورهای مهاجم بسر

قلمنامه سه... بقیه از صفحه

انضباطی آهین زنداگای برلناتی

* سازمان انقلابی به کار ایدئولوژیک و سیاسی توجه
نداشت و اساس کار خود را بر صحبت های درگوشی نهاده بود.
مدتها از انتشار روزنامه امتناع میوزید و مناظره سیاسی و از
آن جمله مبارزه با روزیونیسم را امری بیپوده و دستگیراگیر
و غیراقلابی و مانع اقدام جنگ پارتیزانی بشمار می آورد. بعد از
در اثر گردش حوانات و بخصوص در اثر مبارزات ایدئولوژیک و سیاسی
سازمان تسوفسان پناچار شده برخیزد از مناظره سیاسی دست
بزند ولی اساس کار او در این دوره نیز رونگری ایدئولوژیک و
سیاسی نبود بلکه نظاهر در زمین به کلیات مارکسیسم لنینیسم
اندیشه مائوتسه دون و چاگورگی از پیشرفت مبارزات سازمان
تسوفسان بود. کار ایدئولوژیک و سیاسی هرگز بصورت وظیفه
مستمر و منظم سازمان انقلابی در نیامد و هرگز از مضمون ذهنی
و ضد مارکسیستی - لنینیستی تهی نشد.

* سازمان انقلابی بعلت ضعی کاسترستی خود باین
حقیقت مارکسیستی - لنینیستی که "سیاست باید در
مقام فرماندهی باشد" و "حزب بساید به تفکسه ها فرمان
دهد" معتقد نبود و می پنداشت که هرکس می تواند اخن و جنگوید
بلد باشد پارتیزان خوبی است و جنگ انقلابی میتواند با چنین
پارتیزان هائی آغاز شود و به پیروزی برسد. این پندار بسا
رفیت افسارگسیخته تظاهر و لاهوگرافا تمام شد و باعث گردید که
سازمان انقلابی همراجه راجو رهبریکاره را برای جنگ پارتیزانی
انتخاب کند. امری که سرانجامی جز رسوائی نمیتوانست داشته
باشند.

* هیچ اصل تشکیلاتی در "سازمان انقلابی" مراعات
نی شد. کار تشکیلاتی "سازمان انقلابی" بر اصل مارکسیستی-
لنینیستی مرکزیت دموکراتیک مبتنی نبود بلکه بر فراسویونیسم
تکیه داشت. چند نفر در رهبری سازمان کارها را از طریق غیر
تشکیلاتی در دست خود متمرکز کرده بودند. ارگان رهبری به
معنای حقیقی وجود نداشت. اطلاعات نادرست و مفروضه
به سازمان داده میشد. گفتار نهائی که تشکیل میگردد تظاهر
هری بیشتر بود. افراد بر اساس ممالک های عینی انتخاب نمی
شدند. تصحیبات در خارج از چلیات و در اثر نجوهای فتنه
انگیزانه اتخان میدید. تهدید و تطمیع افراد امری رایج بود.
خون تازه جریان نمی یافت. خون فاسد تمام رگ و ریشه سازمان
انقلابی را فرا گرفته بود.

* سازمان انقلابی باندازه خروشیف به توده ها بی-
اعتبار بود و می پنداشت که برای همیشه میتوان بر مردم دروغ
گفت و مردم را برای همیشه در دام دروغ نگه داشت. در روگوشی
شایع امریکائی، اتهام زنی از شیوه های اساسی سازمان انقلابی
بود. بدیهی است که این شیوه ها نه فقط با مارکسیسم -
لنینیسم و متی توده های بلکه با هیچ جریان ترقی اجتماعی
سازگار نیست و عاقبتی جز عاقبت خروشیف و گولاز بهار نیامد.
همه این عوامل باعث شد که "سازمان انقلابی" از روز

شاه و مشرم

شاه در جواب خبرنگار مجله اکسپرس که از او درباره
"رهبران محلی" یعنی رهبران خاورمیانه و بیوز عراق نظر
خواسته چنین گفته است:

"منافغانه برخی از آنها که حساب بانکی قابل ملاحظه
در خارج دارند بجزد اینکه با اولین مشکل روبروشوند جنلای
وطن کرده راهی خارج خواهند شد."

حالا وقایع ۲۵ مرداد و فرار شاه را بخاطر بیابورید
و به بیفید که شاعر چه خوب گفته است:

یک قطره ز آب شرم و یک دره حیا

در چشمش درخشید خدای داناستم بکنیست

نخست هسته شکست را در رون خود داشته باشد

هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی تسوفسان
از پدیدمهای منفی فوق درس بگیرد و باین مناسبت تاکیه
بر مراتب زمین را ضروری میشارد:

* سازمان تسوفسان یگانه سازمان مارکسیستی - لنینیستی
ایران است. این سازمان است که حزب طبقه کارگر را در
ایران احیا خواهد کرد. تمام نیروی خود را در راه گسترش ترقی
یت سازمان تسوفسان بگا بریم. وحدت سازمان تسوفسان را
مانند مردمک چشم گرامی داریم. به حفظ و تحکیم آن همت
بگذاریم. در هر جا و هر مقام که هستیم از هرگونه عملی که به
این وحدت زیان برساند اجتناب ورزیم.

* فعالیت ایدئولوژیک و سیاسی را چه در داخل و چه
در خارج از سازمان گسترش دهیم. بگوئیم که مارکسیسم -
لنینیسم و اندیشه مائوتسه دون هرچه بیشتر باجان کسارها
و اعضا سازمان توده ها آمیخته کرد. مبارزه با روزیونیسم
را خواه در عرصه تئوری و خواه در عرصه فعالیت روزانه آسیا -
سی و اجتماعی تقویت کنیم.

* با تبلیغات سفسطه آمیز و تفرقه افکن و یاس آوروید
یونیست ها و عمال رژیم محمد رضا شاه پیوسته در بیگاریشیم.

* امپریالیسم امریکا و حکومت محمد رضا شاه را از لحاظ
استراتژی خوار بشمریم و محکوم بنابودی بدانیم. در نبرد بسا
آنها جرات انقلابی داشته باشیم ولی از لحاظ تاکیک از هر
گونه ماجراجویی بپرهیزیم. آماده نبرد طولانی باشیم و یکنام
نیایی های آسمان و زود رس امید نبندیم.

* برهنگاری بیخیزانیم. پنهانکاری را بیش از پیش مراعات
کنیم. هرگز دسائس سازان امنیت و روزیونیست ها را جنسی
بر نفوذ و خرابکاری در سازمان تسوفسان از نظر دور نداریم.

* از سرور بپرهیزیم.

سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

هیئت مرکزی

تیرماه ۱۳۴۹

بیرگاغدی

"همه مترجمان بیرگاغدی اند. مترجمان بظاهر
هولناکند ولی در واقع چندان نیرومند نیستند.
اگر در این مسئله نگاهمان بآینده باشد خواهیم دید
که نیروی واقعا عظیم ما مترجمان نیست، با خلق است."

مائوتسه دون

خلق های هندوچین رابطه ندارد.
اما رهبران سوسیال امپریالیسم روس کلیه مذاکرات
خویش را دنبال میکنند و با کلیه تجار کاران دارای انواع آژیه
طائی هستند که بعد و در هیلمتیک محدود نمیشود.

در این صورت آقایان رهبران روزیونیست چه وحدت
علی میتواند بین شوروی سوسیال امپریالیست و چین سوسیالیست
بین شما و ما موجود باشد؟
یک مثل فارسی میگوید: شریک در رفیق قافله نیست...!

(۱) اشاره است به سرمقاله شماره روزنامه توفان تحت
همین عنوان که بموقع خود در روزنامه "هومانیه نوین" ارگان حزبی
کمونیست (مارکسیست - لنینیست) فرانسه درج گردید.

عنوان مکاتبات
X GIOVANNA GRONDA
24030 VILLA D'ABDA/ITALY
حساب بانکی
X GIOVANNA GRONDA
CONTO 12470/11
CREDITO ITALIANO AGENZIA 16
MILANO / ITALY

توفان در ترکیه

سرکوبی طبقات و نیروهای خلقی ترکیه عدال و بی باک است سرکوبی اشخاصیات اخیر کارگران ترکیه و کشتار چندین کارگر در استانبول از همین ماهیت ضد خلقی رژیم ترکیه سرچشمه میگیرد . رژیم ترکیه در اثر تشبیهات سازمان امنیت ایران میخورد . در اختناق و ترور افکار بین ترکها و ایرانیان رعایت مساوات نمائید .

همکاری رژیم شاه با رژیم ترکیه در اقدامات ضد خلقی تنها منحصر به قتل کردن توفان نیست . اقدامات خونین و فاشیستی که در ماههای اخیر از طرف دولت ترکیه علیه کردهای ساکن آن کشور بعمل آمده در واقع همکاری رژیم ایران در سرکوب نهضت ملی خلقی بوده است . بنابراین خیانت موفقی که بنا رسیده جایشانی که اخیرا از جانب دولت ترکیه نسبت به خلق کرد صورت گرفته بی سابقه بوده است . جلادان حکومت ترکیه نه تنها مردم کرد آن کشور را به گلوله بستند به آنها زندانشان شکنجه دادند بلکه حتی به زنان شکنجه جسمی و روحی وارد میساختند باین منظور که آنها خودشان شهروندان را شکنجه دهند و اگر از اینکار امتناع میکردند گلوله آغیه های ترک به قلبشان میشتافت .

رژیم شاه و رژیم ترکیه دو رژیم پرورش یافته امپریالیسم امریکا هستند . امپریالیسم امریکا با حفظ این دو رژیم خلقهای ترکیه و ایران را اشیر خود ساخته است . هر دو این خلقها را به زنجیر پیما مرکزی و غیره بسته است . در مواقع لزوم یکی از این دو رژیم را وارد میسازد که به یاری رژیم دیگر بنشیند . خلقهای ترکیه و ایران نیز باید در کنار یکدیگر در زیر پرچم انقلاب دمکراتیک و ضد امپریالیستی قرار گیرند . خلقهای ایران و ترکیه دو خلق برادرند و در مبارزه ضد امپریالیستی و دموکراتیک وجه مشترک دارند . ما از خلق برادر ترکیه انتظار داریم که به این افعال ارتجاعی دولت ترکیه شریک نشوند . مطبوعات شرقی آن کشور انتظار داریم که به افشا و موافق خانقانه رژیم محمد رضاشاه و رژیم ترکیه همت گمارند . به کشتار دشمنان خلق کرد در ترکیه اعتراض کنند و نگذارند که پیرونده این جنایت ارتجاع ترکیه در پشت پرده سکوت پنهان بماند . خلق کرد در ترکیه به همدردی تمام خلق ترک نیازمند است .

ما همچنین از کلیه نیروهای شرقی ترکیه انتظار داریم که توسط سازمان امنیت ایران را صنی بر قدغن کردن "توفان" در ترکیه عقیم گذارند . و برای رساندن ماهنامه "توفان" بدست ایرانیان مقیم ترکیه با ما همکاری نمایند .

بارها خوانندگان توفان در ترکیه شکایت کرده اند ما این ماهنامه بدست آنها نمیرسد . یا بطور نامرتبه میرسد . یکی از چراغ ترکیه نیز خبر داده است که ماهنامه "توفان" از جانب مقامات دولتی ترکیه قدغن شده است .

این امر تنها حاکی از ماهیت ارتجاعی حکومت ترکیه نیست بلکه نشانه همکاری نزدیک بین سازمان امنیت ایران و مقامات امنیتی ترکیه نیز هست . از دولت ترکیه و ایران کسه بخاطر سرکوب جنبش های آزادیبخش خلق های خاورمیانه در پیمان مرکزی متحد شده اند . البته انتظار دیگری نباید داشت . در اینجا سازمان امنیت ایران از مقامات امنیتی ترکیه میخواهد که ماهنامه "توفان" را جمع آوری کنند و مسلما به آنها قول میدهند که اگر چنین وضعی برای ترکیه در ایران پیش آید به جبران این محبت مقامات امنیتی ترکیه همت گمارند .

این امر همچنین حاکی از تاثیر مبارزات اصولی ماهنامه "توفان" است . اگر چنین نبود سازمان امنیت ایران و ترکیه به قدغن کردن "توفان" دست نمیزدند .

عده زیادی از دانشجویان ایرانی در ترکیه به تحصیل مشغولند . جمع کثیری از اصناف مختلف جامعه ایران یاد ترکیه اقامت دارند . و یا با ترکیه در آمد و شد دارند . از اینجهت توفان در ترکیه دارای خوانندگان بسیاریست . رژیم شاه کسه میکوشد محیط خارج از ایران را نیز برای مخالفان خود مانند داخل ایران محقق گرداند . بخصوص به ترکیه توجه بیشتری دارد . البته رژیم شاه تاکنون در تمام کشورهای خارج مانند امریکا ، انگلیس ، آلمان و فرانسه و غیره به چنین تشبیهاتی عمل کرده است ولی تشبیهات مذکور در جایی به نتیجه مطلوب رژیم میرسد که رژیم ارتجاعی و عقب مانده ای مانند ترکیه داشته باشد . رژیم کی در اختناق و ترور افکار احمد رضاشاه در صحنی گیرد .

بدیهی است که قدغن کردن "توفان" از جانب مقامات امنیتی ترکیه در واقع تن دادن به نفوذ "برون مرزی" رژیم محمد رضاشاه است . تن دادن به تشبیهات رژیم محمد رضا شاه نیز در چهارچوب ضایع ارتجاع و امپریالیسم صورت میدهد . بدینجا خاطر صورت میدهد که رژیم ترکیه ماهیتی ارتجاعی و ضد خلقی دارد . تقریبا به اندازه محمد رضاشاه در

قطعه نامه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توفان

ارتداد و خیانت عده ای از سران و کادری های "سازمان انقلابی حزب توده ایران" در خارج از کشور ، به سازمان امنیت ایران از یکسو و رویزیونست های حزب توده ایران از سوی دیگر فرصت جدیدی داد که مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو تسه دون و بطور کلی هرگونه فکر انقلابی را مورد حمله قرار دهند . بویژه رویزیونست های حزب توده ایران ناجوانمردانه کوشیدند تا "سازمان انقلابی" را که بارها از طرف سازمان مارکسیستی - لنینیستی "توفان" افشا شده است بعنوان ظهور اندیشه مائو تسه دون در ایران جلوه گسازند و با این تزویر بر اندیشه ثابتن مائو تسه دون که مارکسیسم لنینیسم و ران ماست غبار شک و تردید بپاشند . کاروفاخت بجای کشید که در تبلیغات رویزیونست های حزب توده ایران "مائوئیسم" یا تسلیم طلبی مترادف آورده شد .

سازمان مارکسیستی - لنینیستی "توفان" بارها ماهیت "سازمان انقلابی" و شیوه های فعالیت او را در اسناد و مکاتبات مختلف مورد تحلیل قرار داده است . در این موضوع در جلسه تیرماه هیئت مرکزی سازمان مارکسیستی - لنینیستی توشان بمناسبت ارتداد و خیانت عده ای از سران و کادری های "سازمان انقلابی" تجدید بحث بعمل آمد که بنیای زیرین منتهی گردید :

● تفاوت ما در باره "سازمان انقلابی" مبتنی بر خیانت این عضو یا آن رهبر نیست . احتمال چنین خیانت هایی را در هیچ سازمانی نمیتوان منتهی انگاشت . تفاوت ما در باره "سازمان انقلابی" از ماهیت خود او و مجموعه کشتار و کشتار سرچشمه میکورد ما بر آنیکه سرگدشت اخیر "سازمان انقلابی" سرگدشتی تصالحی ناکهانی و دوراز انتظار نیست بلکه نتیجه ناگزیر وجود آن است .

● چگونگی تشکیل "سازمان انقلابی" بسیار متراکم است :

از نخستین روزهای که عده ای از کادری ها و اعضای حزب توده ایران بمخالفت با اپورتونیسم و رویزیونسم رهبری و دفاع از مارکسیسم - لنینیسم و اندیشه مائو تسه دون برخاستند رویزیونست ها - همانطور که در همه جا عمل کردند - عده ای از دست آموزان خود را بمیان آنها فرستادند و آنان جریان را داخترار گرفته بسود رویزیونسم گردانند . جلسهای که بعد ها کشتار اصول سازمان انقلابی نامیده شد بدست یکی از رویزیونست های معروف و منجوده "ایران" تشکیل یافت که بعد ها در پس پرده قرار گرفت .

بدیهی است که امپریالیسم و سازمان امنیت ایران نیز از اهمیت نهفت مارکسیستی - لنینیستی ، نوین غافل نبودند و در برآمدند بجایای برای خویش . راین نهفت بیایند . "سازمان انقلابی" هم باشیوه های نابهنجار خود . شرایط مساعدی برای عمال امپریالیسم و سازمان امنیت فراهم آورد . زندگی این سازمان و بویژه خیانت های اخیر آشکارا میسازد که فعالیت خرابکارانه امپریالیسم و سازمان امنیت در "سازمان انقلابی" قسریست موفقیت بوده است .

● "سازمان انقلابی" برنامه مارکسیستی - لنینیستی نداشت و هیچگاه از وحدت ایدئولوژیک برخوردار نشد . اسناد مختلفی که از طرف این سازمان انتشار یافته حاوی انواع انحرافات ضد مارکسیستی - لنینیستی است . در واقع این سازمان بسر مشی کا ستریتیست - گواریتیست وجود آمد و علی رغم تطاهراتی که به پیروی از اندیشه مائو تسه دون داشتند نتوانست و نتوانست به مارکسیسم - لنینیسم فرارند . روشن است که چنین سازمانی نمیتواند پروردنده ایمان و انضباط و فداکاری بقیه رده ۳

بار دیگر درباره مسئله ملی کردن های عراق

در روزهای که عید السلام فارغ گرد تا کرد و دشمنان به کشتار کمونیست ها و دموکرات های عراق پرداخت مصطفی بارزانی ازجای تنبیه و به عارف امکان داد که دیکتاتوری خونین خود را پایه گذاری کند . باین امید که شاید از دولت عارف شوه ای برای ملت کرد بدست آورد . با دولت های بعدی نیز پیوسته در تلاش چنین سازشی بود .

چندی پیش نماینده دولت عراق در پاریس آشکارا گفت که مصطفی بارزانی در ژوئن ۱۹۶۸ بمناسبت حمله راهزنان اسرائیل بر کشورهای عربی و پیروزی موقت وی بآن دولت تبریک گفته بوده است . این اقدام مصطفی بارزانی بعید نیست زیرا که او برخوردار اسرائیل را با خلق های عرب مشابه برخوردار اقلیت ملی ای ملت حاکم ، مانند برخوردار ملت عرب در عراق تلقی میکند . در باره بر ضد صهیونیسم و امپریالیسم همکاری نکرد . عادت در دوران که بین حکومت محمد رضاشاه و دولت عراق ، اختلاف افشان مصطفی بارزانی بر شاه ایران تکیه کرد و بنیام مبارزه برای احراز حقوق ملی کرد در عراق از وی اسلحه گرفت . این مطلب را بارها جراید مختلف نوشته اند . شاه نیز در چرخه خبرنگار را بدولتیزون فرانسه آن را تایید کرده است . همین که مصطفی بارزانی در قیام کردها از تکیه بر دولت جایی نظیر دولت عبدالسلام عارف و دولت ایران ابائی ندارد عمل او نه فقط در جهت انقلاب ملی و دموکراتیک نیست بلکه در سازش با ضد انقلاب است .

چنین سیاسی ممکن است بتحصیل بقیه رده ۳

برخی از رفقای نامه های مقاله "پیروزی خلقی کرد در عراق" (مندرج در توفان شماره ۳۲) را مورد انتقاد قرار داده اند . انتقاد مذکور بر بحث دقیق قرار گرفت و علی الاصول صحیح تشخیص داده شد و اینک خلاصه آن از نظر خوانندگان گرامی میگردد . ضمنا از رفقای که فعلا نه در بحث توفان شرکت میکنند و به بهبود آن میاندیشند صمیمانه سپاسگزاری میکنم .

سازمان مارکسیستی - لنینیستی ما عقیده دارد که برای بدست آوردن حقوق ملی باید در رده اول و قبل از هر چیزی سلطه طبقه حاکمه را برانداخت و امپریالیسم را ریشه کن ساخت . "حل مسئله ملی تنها در صورت پیروزی انقلاب ملی و دموکراتیک بر رهبری طبقه کارگر . . . امکان پذیر است" (شماره ۲۰ توفان) "مسئله حقوق ملی یک موضوع متردد و مستقل نبوده بلکه جزئی است از مسئله کلی انقلاب پلنریائی و باین جز "طبیعی کسل بوده و از نقطه نظر کل باید بآن نگاه کرد" . "مسئله ملی در عراق و ایران بشعب انقلاب این دو کشور قابل حل خواهد بود" (شماره ۱۰ توفان) . ولی مقاله "پیروزی خلقی کرد در عراق" مسئله ملی کرد را در زمینه انقلاب ملی و دموکراتیک آن کشور قرار نداده است .

چنانکه میدانیم قیام کرد های عراق بر رهبری مصطفی بارزانی از روز نخست و در طی تمام نه سال هجارت بوده است از قیامی صرفا ملی و جدا از انقلاب ملی و دموکراتیک کشور عراق . مصطفی بارزانی بارها اظهار داشته که حاصرات برای پیشرفت مسئله ملی کرد از هر جانب اسلحه بگیرد ، خواه از شوروی و خواه از امریکا . این اظهار او بطور رازمیتی و سازشکارانه است . بطور جدائی قیام کرد های عراق از مبارزه ضد امپریالیستی است

پیروزی بارزانی در ایران خلاق های هندو چین